



فصلنامه پژوهش‌های نوین در حسابداری و حسابرسی

دانشگاه خاتم

دوره ۲، شماره ۳

پاییز ۱۳۹۷

صفحه ۳۳-۵۷

اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی

فرزین رضایی^۱

ثریا ویسی حصار^۲

چکیده

این پژوهش اثر روابط سیاسی با دولت را بر رابطه بین ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار می‌دهد. به منظور اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی از معیارهای اختلاف دائمی مالیات و نرخ مؤثر مالیات نقدی استفاده شده است. فرضیه‌های پژوهش بر مبنای نمونه آماری متشکل از ۹۵ شرکت طی دوره زمانی از سال ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۹۵ و با استفاده از الگوهای رگرسیونی چند متغیره و چینش داده‌های ترکیبی، مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با متغیر وابسته اختلاف دائمی مالیات نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری بین درصد مالکیت بزرگترین سهامدار، درصد مالکیت سه سهامدار بزرگتر و مالکان نهادی با اختلاف دائمی مالیات وجود دارد. همچنین، بین روابط سیاسی گسترده با دولت و اختلاف دائمی مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. در نهایت، روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین ساختار مالکیت و اختلاف دائمی مالیات اثر معناداری ندارد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات نقدی بیانگر آن است که رابطه مثبت و معناداری بین درصد مالکیت بزرگترین سهامدار و نرخ مؤثر مالیات نقدی وجود دارد. همچنین، رابطه منفی و معناداری بین درصد مالکیت سه سهامدار بزرگتر و مالکان نهادی با نرخ مؤثر مالیات نقدی وجود دارد. به علاوه، نتایج نشان داد که وقتی معیار تمرکز مالکیت؛ درصد مالکیت بزرگترین سهامدار باشد، بین روابط سیاسی گسترده با دولت و نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه معناداری وجود ندارد. اما هنگامی که معیار تمرکز مالکیت؛ درصد مالکیت سه سهامدار بزرگتر و مالکان نهادی باشد، بین روابط سیاسی گسترده با دولت و نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در نهایت، روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین ساختار مالکیت و نرخ مؤثر مالیات نقدی تأثیر منفی و معناداری دارد.

واژه‌های کلیدی: ساختار مالکیت، اجتناب مالیاتی، روابط سیاسی، تصمیم‌گیری چندمعیاره.

JEL: P16, G32, H26

^۱ دانشیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)

Farzin.rezaei@qiau.ac.ir

^۲ کارشناسی ارشد حسابداری، مؤسسه آموزش عالی کار، دانشکده مدیریت و حسابداری، قزوین، ایران.

Soraiaweysihsar@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۵

مقدمه

شرکت‌ها به‌عنوان واحدهای اقتصادی، همواره به‌دنبال سودآوری و دستیابی به ثروت بیشتر می‌باشند. به دلایل مختلفی که مهم‌ترین آن‌ها جدایی مالکیت از مدیریت می‌باشند، شرکت‌ها علاوه بر وظیفه انجام فعالیت اقتصادی، وظیفه پاسخگویی به افراد بیرون از شرکت را نیز برعهده دارند. کارترین شکل پاسخگویی، براساس شواهد تجربی، گزارشگری مالی می‌باشد. یکی از اجزای گزارش‌های مالی، سود حسابداری است که مهم‌ترین معیار از عملکرد شرکت‌ها و مبنایی است برای تصمیمات سرمایه‌گذاری، اعتباردهی و سنجش عملکرد مدیران و در سطح کلان معیاری از عملکرد بخش اقتصادی جامعه است که بر سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان دولت‌ها تأثیر زیادی می‌گذارد.

در این راستا، دولت یکی از ذینفعانی است که خود را در سود شرکت‌ها سهیم می‌داند و این سهم‌خواهی از سود را به‌شکل مالیات مطالبه می‌نماید. درآمد مالیات، یکی از مهم‌ترین درآمدهای دولت می‌باشد و بخش عمده‌ای از این درآمد را مالیات اخذ شده از اشخاص حقوقی تشکیل می‌دهد. به‌دلیل آن که پرداخت مالیات، ثروت را از شرکت و مالکان آن به دولت منتقل می‌نماید اغلب شرکت‌ها اقدامات مدیریتی خود را به گونه‌ای طراحی و اجرا می‌نمایند که تعهدات مالیاتی خود را حداقل نمایند.

اشخاص حقیقی و حقوقی همیشه مالیات را به‌عنوان یک هزینه درنظر گرفته‌اند و بنابراین، همواره در جهت کاهش هر چه بیشتر آن تلاش کرده‌اند. اجتناب مالیاتی از جمله فعالیت‌هایی است که ممکن است شرکت‌ها به‌وسیله آن سعی در کاهش مالیات نمایند. پاسترناک و ریکو (۲۰۰۸) اجتناب از پرداخت مالیات را استفاده قانونی از نظام مالیاتی برای منافع شخصی، به‌منظور کاهش مقدار مالیات قابل پرداخت به‌وسیله ابزارهایی که در خود قانون است، تعریف کرده‌اند.

از طرفی، سهامداران از تصمیماتی که سبب گردد میزان مالیات پرداختی توسط شرکت کاهش یابد استقبال می‌کنند به‌عبارتی دیگر، آنان خواهان مدیریت مالیاتی توسط شرکت‌ها هستند. مدیریت مالیاتی به‌عنوان توانایی کاهش وجه نقد پرداختی یا پرداختنی بابت مالیات تعریف می‌شود (رضایی و عظیمی، ۱۳۹۴). با توجه به این که مدیریت مالیاتی موجب کاهش خروج وجه نقد از شرکت به‌سوی دولت می‌شود، از گذشته به‌عنوان یک ارزش برای سهامداران تلقی می‌شده است (دسای و دارماپالا^۱، ۲۰۰۹). اما در این میان مدیران فرصت‌طلبی وجود دارند که برای فرار از پرداخت مالیات دنبال سوءاستفاده مالی و منافع شخصی خود هستند که این امر سبب تحمل هزینه‌هایی برای مالکان خواهد شد.

¹ Desai & Dharmapala

از سوی دیگر عاملی که می‌تواند بر این رابطه تأثیرگذار باشد، روابط سیاسی بنگاه‌های اقتصادی است. روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با سایر شرکت‌ها گردد. استدلال ارائه شده این است که شرکت‌های دارای روابط سیاسی با دولت به دلیل برخورداری از شرایط خاص (اتصال سیاسی با دولت)، هزینه‌های کمتری را از سوی دولت تحمل می‌کنند. (چانی، فاسیو و پارسلی^۱، ۲۰۱۱).

پژوهش‌های تجربی متعدد نشان داده‌اند که مدیران از طریق روابط سیاسی بر سود مشمول مالیات قطعی شرکت و در نتیجه، نرخ‌های مالیاتی تأثیر می‌گذارند. مطالعات درباره منافع روابط سیاسی واحدهای تجاری نشان داده است که سهامداران در شرکت‌های دارای تعاملات سیاسی گسترده با دولت، سود می‌برند (جانسون و میتون^۲ (۲۰۰۳) در کشور مالزی، لئوز و ابرهلزر^۳ (۲۰۰۶) در کشور اندونزی). فاسیو^۴ (۲۰۱۰) نشان داد که شرکت‌های دارای روابط سیاسی، مالیات کمتری پرداخت می‌کنند و بنابراین، از هزینه‌های عملیاتی پایین‌تر سود می‌برند. بر این اساس، به نظر می‌رسد که روابط سیاسی با دولت، از دو طریق بر نرخ مؤثر مالیاتی آن‌ها تأثیرگذار باشد:

الف- ممکن است این قبیل شرکت‌ها بتوانند از طریق روابط سیاسی موفق به اخذ برخی از بخشودگی‌ها و معافیت‌های مالیاتی، در صنعتی شوند که در آن فعالیت دارند.

ب- روابط سیاسی با دولت باعث کاهش کیفیت اطلاعات شده و در نتیجه میزان درآمد مشمول مالیات شرکت دستخوش تحریف می‌شود.

چرا که این گروه از شرکت‌ها نیاز کمتری به منابع مالی موجود در بازارهای سرمایه و اعتباردهندگان احساس می‌کنند و منابع مورد نیاز خود را با پشتیبانی دولت و از طریق بانک‌های دولتی تأمین می‌کنند (گول^۵، ۲۰۰۶).

در حالی که روابط سیاسی می‌توانند ارزش شرکت را افزایش دهند، پژوهش‌ها نشان داده است که هزینه‌های فعالیت‌های منفعت‌طلب شرکت‌های دارای روابط سیاسی می‌تواند معرف یک کاهش

¹ Chaney, Faccio & Parsley

² Johnson & Mitton

³ Leuz & Oberholzer

⁴ Faccio

⁵ Gul

ارزش در شرکت باشد. برای مثال، کیان، پان و یئونگ^۱ (۲۰۱۱) نشان دادند که مدیران ممکن است از روابط سیاسی به عنوان ابزاری برای انتقال ثروت یا سود از شرکت به نفع خود استفاده کنند و این موضوع باعث تضییع حقوق سهامداران می‌شود، آن‌ها نشان دادند که فعالیت‌های سلب مالکیت کنترل مالکان در شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با سایر شرکت‌ها بیشتر است. زیرا اعضای وابسته سیاسی می‌خواهند منافعی را که از روابط سیاسی به دست می‌آورند بهینه سازند تا حداقل اگر از بابت ادامه این ارتباطات متحمل زیان (هزینه) شدند آن را جبران کنند. علاوه بر این، به طور کلی شرکت‌های وابسته سیاسی با فشار نظارتی کمتری از سوی مقاماتی که به آن‌ها وابسته هستند مواجه می‌شوند.

مجموعه این شواهد نشان می‌دهد که مطالعات صورت گرفته در این زمینه، نظر یکسانی درباره تأثیر کارآمدی روابط سیاسی با دولت بر ارتباط بین ساختار مالکیت و اجتناب مالیاتی ندارند و تفاوت‌های محیطی بین بازارها بر آن تأثیر می‌گذارد. بنابراین با توجه به این که در ایران تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است، در این پژوهش به این مسأله پرداخته می‌شود. نتایج این پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری پژوهش‌های گذشته شود. علاوه بر آن شواهد پژوهش نشان خواهد داد که حرفه حسابداری جدا از محیط سیاسی و اجتماعی کشور نیست.

در ادامه، پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های مورد آزمون و روش‌های به کار گرفته شده جهت آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌گردد. در پایان نیز پس از ارائه یافته‌های پژوهش، به بحث و نتیجه‌گیری پیرامون موضوع پژوهش پرداخته می‌شود.

پیشینه پژوهش

قرنجیک و گرکز (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین درصد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره و درصد مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری وجود دارد اما بین دوگانگی وظایف مدیرعامل با نرخ مؤثر مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین نتایج این پژوهش وجود رابطه معنادار بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت را مورد تأیید قرار می‌دهد.

¹ Qian, Pan & Yeung

ابراهیمی، بهرامی نسب و حسن‌زاده (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان دادند که مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و زمانی که درصد مالکیت دولت و یا ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، کیفیت گزارشگری شرکت‌ها کاهش می‌یابد. همچنین، مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارد، اما ارتباطات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) در پژوهشی نشان دادند که در شرکت‌های با ساختار مالکیت متمرکز، کیفیت سود بالا است. حال آن که در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است. همچنین، در شرکت‌های با ساختار مالکیت متمرکز، هزینه سهام عادی پایین است. ولی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت که ساختار مالکیت متمرکزی دارند، هزینه سهام عادی بالا است.

بهارمقدم و امینی‌نیا (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که هر چه تمرکز مالکیت بالاتر باشد، شرکت‌ها در اتخاذ رویه‌های مالیاتی کمتر جسورانه عمل می‌کنند که احتمالاً به دلیل تمرکز مالکیت بالای دولتی است و مؤید فرضیه اجتماعی و سیاسی است.

رضایی و مشیری (۱۳۹۲) در پژوهشی نشان دادند که بین مالکیت بلوکی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه منفی و معنادار و با نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. همچنین، بین مالکیت نهادی و معیار نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه مثبت و معنادار و در روش اختلاف دائمی مالیات رابطه معناداری یافت نشد.

رضایی و عظیمی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی و مدیریت مالیاتی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان داد که:

- ۱- بین میزان مالکیت سهامداران نهادی و متغیرهای نرخ مؤثر مالیات نقدی بلندمدت و نرخ مؤثر مالیات تعهدی بلندمدت رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد، اما بین میزان مالکیت سهامداران نهادی و متغیرهای نرخ مؤثر مالیات نقدی و نرخ مؤثر مالیات تعهدی رابطه معناداری مشاهده نشد.
- ۲- بین نقش دوگانه وظیفه مدیرعامل و نرخ مؤثر مالیات نقدی نیز رابطه معکوس و معناداری وجود دارد، اما بین نقش دوگانه وظیفه مدیرعامل و متغیرهای نرخ مؤثر مالیات نقدی بلندمدت، نرخ مؤثر مالیات تعهدی و نرخ مؤثر مالیات تعهدی بلندمدت رابطه معناداری مشاهده نشد.

۳- بین استقلال اعضای هیأت‌مدیره و متغیرهای نرخ مؤثر مالیات نقدی، نرخ مؤثر مالیات نقدی بلندمدت، نرخ مؤثر مالیات تعهدی و نرخ مؤثر مالیات تعهدی بلندمدت رابطه معناداری مشاهده نشد. پورحیدری و سروسستانی (۱۳۹۲) در پژوهشی به شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات پرداختند. یافته‌ها حاکی از آن است که از بین ویژگی‌های خاص شرکت، اندازه شرکت به‌طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، بین نسبت بدهی، شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا و شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه مثبت و معنادار مشاهده شد. با این وجود نتایج بیانگر آن است که بین فرصت‌های رشد و عمر شرکت با نرخ مؤثر مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، یافته‌ها بیانگر این است که نوع صنعت تأثیری معنادار بر نرخ مؤثر مالیاتی دارد. افزون بر این، نتایج گواه آن است که مالکیت نهادی به‌طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این نتیجه نشان می‌دهد که مالکان نهادی نقشی جسورانه در مدیریت مالیات ایفا می‌کنند.

پورحیدری و برهانی‌نژاد (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان دادند که بین اندازه هیأت‌مدیره و مدیریت مالیات ارتباط معنادار وجود ندارد. به بیان دیگر، در ایران اندازه هیأت‌مدیره تأثیری بر مدیریت مالیات ندارد. همچنین، نتایج نشان داد که ارتباط منفی و معناداری بین ترکیب هیأت‌مدیره و نرخ مؤثر مالیاتی وجود دارد. سایر یافته‌های پژوهش بیانگر ارتباط مثبت و معنادار بین نرخ مؤثر مالیاتی و دوگانگی وظایف مدیرعامل می‌باشد. همچنین، بین اندازه مؤسسه حسابرسی و مدیریت مالیات نیز ارتباط منفی و معناداری وجود دارد.

چن^۱ (۲۰۱۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین افشا مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، ارتباطات سیاسی و اجتناب مالیاتی پرداخت. نتایج پژوهش وی برای دوره زمانی ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴ نشان می‌دهد که افشاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت به‌طور معناداری احتمال اجتناب مالیاتی را افزایش می‌دهد. بنابراین، شرکت‌هایی که روابط سیاسی ندارند یا کمتر دارند می‌توانند با افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت، اجتناب مالیاتی انجام دهند. به‌علاوه، تغییر ارتباطات سیاسی می‌تواند به‌طور معناداری ارتباط مثبت بین افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و اجتناب مالیاتی را تضعیف کند.

شین و وو^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی نشان دادند اولاً، اجتناب مالیاتی ارتباط مثبت و معناداری با هزینه بدهی دارد. این نتایج نشان می‌دهد که اجتناب مالیاتی، ریسک اطلاعات را افزایش می‌دهد،

¹ Chen

² Shin & Woo

بنابراین سرمایه‌گذاران بازده بالاتری تقاضا می‌کنند. دوماً، نسبت بدهی، ارتباط مثبت بین اجتناب مالیاتی و هزینه بدهی را کاهش می‌دهد. در نهایت، سودآوری، ارتباط مثبت بین اجتناب مالیاتی و هزینه بدهی را افزایش می‌دهد.

کیم و ژانگ^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی روابط سیاسی و سیاست مالیاتی جسورانه پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که روابط سیاسی اثر معناداری بر سیاست مالیاتی جسورانه دارد و شرکت‌های با روابط سیاسی بالاتر، از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند و میزان اجتناب مالیاتی بالاتری دارند.

جوی^۲ (۲۰۱۲) تأثیر مالکان نهادی بر جسورانه بودن مالیات را بررسی کرد. نتایج پژوهش او نشان داد که شرکت‌های با سطح بالاتر سرمایه‌گذاران نهادی دارای افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، به احتمال بیشتری برنامه‌ریزی مالیاتی جسورانه را به کار می‌برند و تفاوت بیشتری بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات آن‌ها وجود دارد. همچنین، بین مالکیت نهادی و نرخ مؤثر مالیاتی نقدی رابطه منفی وجود دارد.

وو، وانگ، گیلیس و لو^۳ (۲۰۱۲) به بررسی تأثیر مالکیت دولتی، موقعیت مالیاتی از لحاظ مکانی و اندازه شرکت بر نرخ مؤثر مالیاتی در شرکت‌های چینی پرداختند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند در حالی که شرکت‌ها از جایگاه ممتاز به لحاظ موقعیت مالیاتی بهره نمی‌برند، اندازه شرکت به‌طور مستقیم با نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌های با مالکیت خصوصی مرتبط است اما در مورد شرکت‌های با مالکیت دولتی رابطه‌ای معکوس بین این دو متغیر برقرار است. همچنین دریافتند که تحمل هزینه مالیات کمتر یا بیشتر در مورد شرکت‌های با ساختار مالکیت دولتی نسبت به شرکت‌های با ساختار مالکیت خصوصی، به اندازه شرکت‌های مورد بررسی بستگی دارد. برای شرکت‌هایی که از یک جایگاه ممتاز به لحاظ موقعیت مالیاتی بهره می‌برند، رابطه معناداری بین اندازه آن‌ها و میزان مالیات محتمل توسط آن‌ها مشاهده نشد.

لانیس و ریچاردسون^۴ (۲۰۱۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که تعداد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره رابطه منفی و معنادار با رویه مالیاتی متهورانه دارند. به عبارت دیگر، هر چه تعداد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره بیشتر باشد، شرکت کمتر به مدیریت مالیات روی می‌آورد.

¹ Kim & Zhang

² Joy

³ Wu, Wang, Gillis & Luo

⁴ Lanis & Richardson

لیم^۱ (۲۰۱۱) با بررسی اجتناب مالیاتی بر روی هزینه بدهی و تأثیر آن بر روی فعالیت سهامداران با استفاده از شرکت‌های کره‌ای نشان داد که ارتباط منفی بین اجتناب مالیاتی و هزینه‌های بدهی وجود دارد. به نظر او این ارتباط منفی زمانی قوی‌تر می‌شود که سطح مالکیت سازمانی بالا باشد. مینیک و نوگا^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای اثرات ویژگی‌های حاکمیت شرکتی را بر مدیریت مالیات جستجو نمودند. آن‌ها نشان دادند که طرح‌های پاداش به‌عنوان محرکی برای مدیران، جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های بلندمدت و مالیات کاه عمل می‌کند. همچنین، یافته‌ها نشان داد که مدیریت مالیات، سهامداران را منتفع می‌سازد و به‌طور مثبت با افزایش بازده عایدی سهامداران در ارتباط است. چن، چن و شولین^۳ (۲۰۱۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی فرار مالیاتی کمتری نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی دارند. یافته‌های آن‌ها با این مفهوم در ارتباط است که شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی، اگر قصد استفاده از سپر مالیاتی را به‌وسیله فرار از پرداخت مالیات و انجام اعمال غیرقانونی داشته باشند، این هدف ممکن است از سوی سهامداران اقلیت مورد پذیرش قرار نگیرد و اقلیت‌ها ممکن است واحد تجاری را به‌دلیل انجام این کار، کم ارزش جلوه دهند. بنابراین، شرکت‌های دارای مالکیت خانوادگی ترجیح می‌دهند از سپر مالیاتی ناشی از فرار مالیاتی صرف‌نظر کنند تا با کاهش ارزش بالقوه شرکت مواجه نشوند. فاسیو (۲۰۰۶) در پژوهشی بر روی سه مزیت حاصل از روابط سیاسی شامل دسترسی آسان‌تر به منابع تأمین اعتبار، تخفیف‌های مالیاتی و قدرت بازار تمرکز نمود. نتایج پژوهش وی نشان داد که شرکت‌های دارای روابط سیاسی؛

- ۱- به‌دلیل دسترسی آسان‌تر به منابع تأمین اعتبار، اهرم بالاتر
- ۲- به‌دلیل تخفیف‌های مالیاتی، نرخ مؤثر مالیاتی کمتر
- ۳- به‌دلیل داشتن قدرت انحصاری در بازار، سهم بیشتری از بازار را در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی دارند.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری ارائه شده، فرضیه‌های پژوهش به‌صورت زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی مؤثر است.

¹ Lim

² Minnick & Noga

³ Chen, Chen, Cheng & Shevlin

فرضیه فرعی اول: روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین درصد مالکیت بزرگترین سهامدار و اجتناب مالیاتی مؤثر است.

فرضیه فرعی دوم: روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین درصد مالکیت سه سهامدار بزرگتر و اجتناب مالیاتی مؤثر است.

فرضیه فرعی سوم: روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین مالکان نهادی و اجتناب مالیاتی مؤثر است.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و بر مبنای هدف از نوع پژوهش کاربردی است و به روش پس‌رویدادی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که از ابتدای سال ۱۳۸۵ تا پایان سال ۱۳۹۵ در بورس فعال بوده‌اند و دارای معیارهای گزینشی زیر باشند، انتخاب گردید:

- ۱- شرکت‌ها در طول دوره پژوهش تغییر سال مالی نداده باشند.
- ۲- نوع فعالیت شرکت‌ها، تولیدی باشد.
- ۳- پایان سال مالی شرکت‌های مورد مطالعه منتهی به ۲۹ اسفندماه در هر سال باشد.
- ۴- ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام شرکت‌های نمونه مثبت باشد. تعداد ۹۵ شرکت (۱۰۴۵ مشاهده) که حائز شرایط فوق بودند به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

الگوها و متغیرهای پژوهش

در این پژوهش، شرکت‌های سیاسی از طریق الگوی تصمیم‌گیری چند معیاره به روش تاپسیس^۱ و وزن‌دهی به روش آنتروپی^۲ اندازه‌گیری شدند. برای تفکیک شرکت‌های سیاسی از غیرسیاسی از شاخص‌های هزینه‌های سیاسی (ارزش بازار سهام، ارزش دفتری دارایی‌ها، مالیات بر درآمد، تعداد کارکنان، جمع فروش صادراتی و بیمه پرداختی) استفاده شده است. رتبه بالاتر شرکت‌ها از مجموعه عوامل فوق بیانگر ارتباط‌های گسترده‌تر و سیاسی بودن شرکت‌ها است. (رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳)

^۱ Topsis

^۲ Shannon Entropy

اساس این روش بر این مفهوم استوار است که گزینه انتخابی بایستی کمترین فاصله را با راه حل ایده آل مثبت (شاخص سود) و بیشترین فاصله را با ایده آل منفی (شاخص هزینه) داشته باشد (اصغریور، ۱۳۸۳). در این ماتریس، شاخصی که دارای مطلوبیت یکنواخت افزایشی (جنبه مثبت) است شاخص سود و شاخصی که دارای مطلوبیت یکنواخت کاهش (جنبه منفی) است، شاخص هزینه می باشد. در این پژوهش، شاخص های تفکیک شرکت های دارای تعاملات سیاسی گسترده با دولت دارای مطلوبیت یکنواخت افزایشی (جنبه مثبت) هستند و بنابراین، شاخص سود به حساب می آیند. همچنین، از آنجا که شاخص ها برای تصمیم گیرنده از اهمیت یکسانی برخوردار نیست، وزن شاخص ها براساس روش آنتروپی شانون تعیین گردیده و به عنوان ورودی به الگوریتم تاپسیس وارد شدند. بعد از اینکه شرکت های نمونه از طریق الگوی تصمیم گیری چندمعیاره به روش تاپسیس و وزن دهی به روش آنتروپی اندازه گیری و رتبه بندی شدند، شرکت ها در سه دسته طبقه بندی و دسته ای که رتبه بالاتری داشتند شرکت های دارای روابط گسترده سیاسی شناسایی شدند.

برای آزمون فرضیه های پژوهش، الگوی رگرسیونی شماره (۱) به شرح زیر برآورد می شود؛

$$TAX_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 X_{i,t} + \alpha_2 OOS_{i,t} + \alpha_3 OOS_{i,t} \times X_{i,t} + \alpha_4 LLL_{i,t} + \alpha_5 LLL_{i,t} \times X_{i,t} + \alpha_6 R_{i,t} + \alpha_7 R_{i,t} \times X_{i,t} + \alpha_8 EE_{i,t} + \alpha_9 LLL_{i,t} \times X_{i,t} + \alpha_{10} AAE_{i,t} + \alpha_{11} ABA_{i,t} + \alpha_{12} S_{i,t} + \alpha_{13} INV_{i,t} + \alpha_{14} B_{i,t} \quad (1)$$

الگوی شماره (۱)

برای اندازه گیری متغیر وابسته اجتناب مالیاتی (Tax Avoidance) از دو معیار اختلاف دائمی مالیات (BTD) و نرخ مؤثر مالیات نقدی (CETR) استفاده می شود.

Tax Avoidance اجتناب مالیاتی از طریق اختلاف دائمی مالیات: نسبت حاصل تفریق (مالیات طبق برگ تشخیص-مالیات ابرازی) به مجموع دارایی های ابتدای دوره.

Tax Avoidance اجتناب مالیاتی از طریق نرخ مؤثر مالیات نقدی: یک منهای نسبت وجه نقد پرداختی بابت مالیات به سود قبل از کسر مالیات.

X تمرکز مالکیت: برای اندازه گیری تمرکز مالکیت از سه معیار:

۱- درصد سهام در اختیار بزرگترین سهامدار (BH (1)

۲- درصد سهام در اختیار سه سهامدار اول (BH (2)

۳- درصد سهام در اختیار سهامداران نهادی (Inist) بهره گرفته شده است.

LOSS: اگر شرکت زیان خالص دارد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد.

NOL: اگر شرکت زیان عملیاتی در سال قبل داشته باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد.

POL: اگر شرکت دارای روابط سیاسی گسترده با دولت باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد.

SALES_GR: نسبت تغییرات فروش خالص به فروش خالص در ابتدای دوره.

ASSETS: لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها.

برای محاسبه اقلام تعهدی غیرعادی (AB_ACCR) از الگوی جونز به شرح ذیل استفاده می‌شود:

$$T = \frac{C_j}{C_{jCL}} P \alpha_1 \frac{1}{AA_{j,t-1}} + \alpha \frac{\Delta RVV_{j,t} - \Delta RR_{j,t}}{AA_{j,t-1}} + \frac{1}{3} \frac{EEE_{j,t}}{tt_{j,t-1}} + \varepsilon_j \quad \text{(الگوی شماره ۲)}$$

$$TACC_{j,t} \Delta \left(\frac{D_{j,t}}{D_{j,0}} \right) - \Delta (LL)_{j,t} (ssh)_{j,t} (LLL)_{j,t} \quad \text{رابطه شماره (۱)}$$

TACC: کل اقلام تعهدی جاری

(CA) Δ: تغییرات دارایی‌های جاری

(CL) Δ: تغییرات بدهی‌های جاری

(Cash) Δ: تغییرات وجه نقد + سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت

(STD+CLTD) Δ: تغییرات (بدهی کوتاه‌مدت + بدهی بلندمدت جاری)

DEPN: هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت

TA: کل دارایی‌ها

ΔTR: تغییرات در حساب‌ها و اسناد دریافتی تجاری

ΔREV: تغییرات فروش خالص

PPE: ارزش دفتری دارایی‌های ثابت مشهود

از باقیمانده‌های به‌دست آمده از الگوی شماره (۲) به‌عنوان نماینده ارقام تعهدی غیرعادی استفاده می‌شود. به عبارت ساده‌تر:

$$ABAACCR = \varepsilon_j \quad \text{الگوی شماره (۲)}$$

برای محاسبه معکوس نسبت مایلز (INV_MILLS) الگوی شماره (۳) به شرح ذیل برآورد می‌شود:

$$X_i = \beta_1 \text{RRRRs}_{i,t} + \beta_2 \text{EEE}_{i,t} + \beta_3 \text{GG}_{i,t} + \beta_4 \text{VVV}_{i,t} + \beta_5 \text{AAA}_{i,t} + \beta_6 \text{RRRRs}_{i,t} + \beta_7 \text{OEERCCYCE}_{i,t} + \beta_8 \text{RGGGGE}_{i,t} + \beta_9 \text{C}_{i,t} + \beta_{10} \text{HH}_{i,t} + \beta_{11} \text{CAEEEXP}_{i,t} + \beta_{12} \text{aa}_{i,t} + \beta_{13} \text{aa}_{i,t} + \beta_{14} \text{BGAU}_{i,t} + \beta_{15} \text{I}_{i,t} + \beta_{16} \text{I}_{i,t} \quad \text{الگوی شماره (۳)}$$

از طریق معکوس نمودن جمله اخلاص الگوی شماره (۳) متغیر INV_MILLS به‌دست می‌آید.

X تمرکز مالکیت: به ازای هر یک از معیارهای تمرکز مالکیت یک معکوس نسبت مایلز (INV_MILLS) به‌دست می‌آید. به عبارت دیگر الگوی شماره (۳) سه بار برآورد می‌شود.

BVE: نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به مجموع دارایی‌ها در ابتدای دوره.

SGR: نسبت تغییرات فروش خالص به فروش خالص در ابتدای دوره.

LEV: نسبت ارزش دفتری بدهی‌های بلندمدت به کل دارایی‌ها.

ROA: نسبت سود خالص به کل دارایی‌ها.

Q-RATIO: نسبت مجموع (وجه نقد + سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت + حساب‌ها و اسناد دریافتی تجاری) به بدهی‌های جاری.

OPER_CYCLE: لگاریتم طبیعی چرخه عملیاتی شرکت.

FIRM AGE: لگاریتم طبیعی تعداد سال‌های حضور شرکت در بورس.

CASH: نسبت موجودی نقد به مجموع دارایی‌ها در ابتدای دوره.

CAP_EXP: نسبت تغییرات دارایی‌های ثابت شرکت به مجموع دارایی‌ها در ابتدای دوره.

LOSS: اگر شرکت زیان خالص دارد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد.

BIG_AUDIT: اگر حسابرس شرکت؛ سازمان حسابرسی، مؤسسه مفید راهبر و هشیار بهمند باشد ارزش یک و در غیر این صورت ارزش صفر می‌گیرد.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابتدا آمار توصیفی داده‌های تحت بررسی محاسبه گردید و در نگاره شماره (۱) شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ارائه می‌شود.

نگاره شماره ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نماد متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
BTD	۰/۰۲۵	۰/۰۱۰	۰/۰۵۳	۰/۰۰۰	۰/۵۶۱
CETR	۰/۸۳۲	۰/۸۷۰	۰/۹۸۹	-۲۰/۷۴۶	۶/۹۳۰
BH (1)	۴۸/۱۸۴	۴۹/۲۵۸	۱۹/۱۷۸	۲/۰۱۵	۹۳/۳۵۸
BH (2)	۷۰/۶۳۹	۷۲/۸۶۰	۱۹/۱۴۴	۳/۹۱۱	۱۰۰/۰۰۰
Inist	۷۴/۰۳۰	۷۸/۲۴۰	۱۸/۲۴۲	۰/۰۰۰	۱۰۰/۰۰۰
SALES_GR	۰/۱۸۶	۰/۱۶۰	۰/۳۵۵	-۰/۶۳۴	۴/۷۴۹
AB_ACCR	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰/۳۶۲	-۷/۶۴۷	۱/۳۱۷
ASSETS	۲۷/۲۲۶	۲۷/۰۵۵	۱/۳۱۶	۲۴/۵۴۵	۳۲/۲۵۳
INV_MILLS BH (1)	-۰/۰۷۳	-۰/۰۳۱	۲/۳۵۹	-۴۴/۱۱۵	۱۷/۷۹۷
INV_MILLS BH (2)	-۰/۰۳۷	۰/۰۳۶	۰/۷۰۹	-۶/۳۰۹	۸/۴۰۴
INV_MILLS Inist	-۰/۰۷۸	۰/۰۵۴	۲/۸۸۵	-۴۴/۰۴۴	۳۰/۶۶۰

نتایج نگاره شماره (۱) نشان می‌دهد که میانگین معیار اختلاف دائمی مالیات و نرخ مؤثر مالیات نقدی به‌طور متوسط طی یک سال برابر با ۰/۰۳ و ۰/۸۳ است. همچنین، درصد سهام در اختیار بزرگترین سهامدار، درصد سهام در اختیار سه سهامدار اول و درصد سهام در اختیار سهامداران نهادهی به‌طور میانگین طی یک سال به ترتیب برابر با ۴۸، ۷۰ و ۷۴ درصد است.

آزمون فرضیه فرعی اول

برای آزمون فرضیه فرعی اول از الگوی رگرسیونی شماره (۱) استفاده شد. قبل از برازش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در نگاره شماره (۲) آورده شده است. نتایج برازش الگو برای آزمون فرضیه فرعی اول در نگاره شماره (۲) ارائه شده است؛

نگاره شماره ۲: نتیجه آزمون فرضیه فرعی اول

متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیات نقدی (CETR)			متغیر وابسته: اختلاف دائمی مالیات (BTD)			متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۰۱۱	۲/۵۵۹	۰/۲۴۰	۰/۰۰۰	-۸/۰۰۱	-۸/۴۴۳	C
۰/۰۲۱	۲/۲۶۴	۰/۰۵۰	۰/۰۰۰	۴/۰۷۷	۰/۰۰۹	BH (1)
۰/۰۶۸	۱/۸۲۹	۰/۲۷۳	۰/۲۱۳	-۱/۲۴۷	-۰/۸۵۸	LOSS
۰/۶۶۱	۰/۴۳۹	۰/۰۰۱	۰/۷۹۲	۰/۲۶۴	۰/۰۰۵	LOSS*BH (1)
۰/۶۵۰	-۰/۴۵۴	-۰/۱۷۲	۰/۴۸۳	۰/۷۰۲	۰/۶۵۷	NOL
۰/۳۴۱	۰/۹۵۲	۰/۰۰۷	۰/۶۴۰	-۰/۴۶۸	-۰/۰۱۱	NOL*BH (1)
۰/۱۲۳	۱/۵۴۵	۰/۰۱۳	۰/۰۰۰	-۴/۶۳۴	-۰/۴۹۳	POL
۰/۰۰۰	-۴/۴۸۷	-۰/۰۰۱	۰/۲۵۹	۱/۱۳۰	۰/۰۰۵	POL*BH (1)
۰/۰۰۶	۲/۷۵۹	۰/۰۰۵	۰/۱۸۳	۱/۳۳۴	۰/۰۱۴	LOSS*BH (1)*POL
۰/۰۰۳	-۳/۰۳۳	-۰/۰۱۰	۰/۲۲۷	-۱/۲۱۱	-۰/۰۱۵	NOL*BH (1)*POL
۰/۰۷۱	۱/۸۱۱	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	۳/۵۸۴	۰/۴۹۴	SALES_GR
۰/۰۰۰	۳/۶۰۱	۰/۰۴۱	۰/۴۴۶	۰/۷۶۲	۰/۱۱۹	AB_ACCR
۰/۰۰۰	۵/۹۲۸	۰/۰۲۰	۰/۰۰۰	۳/۵۷۰	۰/۱۳۸	ASSETS
۰/۸۰۱	-۰/۲۵۳	-۰/۰۰۱	۰/۳۳۴	-۰/۹۶۶	-۰/۰۲۸	INV_MILLS BH (1)
آماره F لیمر (سطح معناداری)			آماره F لیمر (سطح معناداری)			آماره F لیمر (سطح معناداری)
۰/۹۷۴ (۰/۴۴۲)			۰/۹۷۴ (۰/۴۴۲)			آماره F لیمر (سطح معناداری)
۰/۳۵۱ (۰/۳۳۶)			۰/۰۹۶ (۰/۰۷۶)			ضریب تعیین (تعدیل شده)
۱/۸۱۷			۱/۷۶۴			آماره دوربین واتسون
۲۳/۱۲۶ (۰/۰۰۰)			۴/۷۸۹ (۰/۰۰۰)			آماره F فیشتر (سطح معناداری)

با توجه به این که سطح معناداری به‌دست آمده از آزمون F لیمر، بیشتر از ۵ درصد می‌باشد برای تخمین الگو از روش داده‌های ترکیبی معمولی استفاده گردید. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگو نشان می‌دهد که مجموعاً ۸ درصد از تغییرات حاصله در متغیر اختلاف دائمی مالیات و ۳۴ درصد از تغییرات حاصله در متغیر نرخ مؤثر مالیات نقدی می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگو توضیح داده شود. مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بنابراین عدم

همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوی رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آماره F فیشر کمتر از ۵ درصد است، لذا معناداری کل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه با متغیر وابسته اختلاف دائمی مالیات (BTD)

نتایج نگاره شماره (۲) نشان می‌دهد که ضریب محاسبه شده برای متغیر درصد مالکیت بزرگترین سهامدار (۰/۰۰۹) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۰) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری بین درصد مالکیت بزرگترین سهامدار و اجتناب مالیاتی وجود دارد. همچنین، ضریب محاسبه شده برای متغیر روابط سیاسی گسترده با دولت (۰/۴۹۳-) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۰) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معناداری بین روابط سیاسی گسترده با دولت و اجتناب مالیاتی وجود دارد.

نتایج نگاره شماره (۲) نشان می‌دهد ضریب متغیر بزرگترین سهامدار در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت ((POL*BH (1 برابر (۰/۰۰۵) می‌باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۲۵۹) و بیشتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین، روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین درصد مالکیت بزرگترین سهامدار و اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری ندارد.

نتایج آزمون فرضیه با متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات نقدی (CETR)

نتایج نگاره شماره (۲) نشان می‌دهد که ضریب محاسبه شده برای متغیر درصد مالکیت بزرگترین سهامدار (۰/۰۵۰) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۲۱) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری بین درصد مالکیت بزرگترین سهامدار و اجتناب مالیاتی وجود دارد. همچنین، ضریب محاسبه شده برای متغیر روابط سیاسی گسترده با دولت (۰/۰۱۳) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۱۲۳) بوده و بیشتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، رابطه معناداری بین روابط سیاسی گسترده با دولت و اجتناب مالیاتی وجود ندارد.

نتایج نگاره شماره (۲) نشان می‌دهد ضریب متغیر درصد مالکیت بزرگترین سهامدار در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت ((POL*BH (1 برابر (۰/۰۰۱-) می‌باشد و با توجه به سطح

معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۰) و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین، بین درصد مالکیت بزرگترین سهامدار و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به‌طور کلی نتایج نگاره شماره (۲) نشان می‌دهد که درصد مالکیت بزرگترین سهامدار به تنهایی رابطه مثبت با اجتناب مالیاتی دارد. اما در صورتی که روابط سیاسی گسترده با دولت، به‌عنوان یک متغیر مداخله‌گر در درصد مالکیت بزرگترین سهامدار ضرب شود، رابطه درصد مالکیت بزرگترین سهامدار و اجتناب مالیاتی منفی می‌شود. این امر نشان می‌دهد که هر چند وجود بزرگترین سهامدار منجر به کاهش جریان‌های نقدی خروجی از بابت مالیات می‌شود، اما اثر روابط سیاسی گسترده با دولت بر این رابطه منفی است.

آزمون فرضیه فرعی دوم

برای آزمون فرضیه فرعی دوم از الگوی رگرسیونی شماره (۱) استفاده شد. قبل از برازش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در نگاره شماره (۳) آورده شده است. نتایج برازش الگو برای آزمون فرضیه فرعی دوم در نگاره شماره (۳) ارائه شده است؛

نگاره شماره ۳: نتیجه آزمون فرضیه فرعی دوم

متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیات نقدی (CETR)			متغیر وابسته: اختلاف دائمی مالیات (BTD)			متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۰۰۰	۵/۷۲۲	۰/۴۷۹	۰/۰۰۰	-۸/۶۲۹	-۸/۸۳۷	C
۰/۰۰۰	-۹/۵۶۳	-۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۵/۳۸۶	۰/۰۱۱	BH (2)
۰/۰۹۲	۱/۶۸۷	۰/۲۲۸	۰/۰۶۴	-۱/۸۵۵	-۱/۶۶۳	LOSS
۰/۴۷۴	۰/۷۱۷	۰/۰۰۱	۰/۳۲۴	۰/۹۸۷	۰/۰۱۳	LOSS*BH (2)
۰/۷۲۷	-۰/۳۴۹	-۰/۱۵۵	۰/۴۰۸	۰/۸۲۸	۱/۲۸۹	NOL
۰/۴۲۰	۰/۸۰۸	۰/۰۰۵	۰/۴۵۴	-۰/۷۴۹	-۰/۰۱۶	NOL*BH (2)
۰/۰۱۰	۲/۵۹۱	۰/۰۲۲	۰/۰۰۰	-۴/۸۴۹	-۰/۴۹۹	POL
۰/۰۰۰	-۳/۷۳۴	-۰/۰۰۱	۰/۲۰۳	۱/۲۷۵	۰/۰۰۵	POL*BH (2)
۰/۰۴۲	۱/۹۸۹	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۳/۱۸۸	۰/۰۱۷	LOSS*BH (2)*POL
۰/۰۰۲	-۳/۱۸۱	-۰/۰۰۶	۰/۰۲۶	-۲/۲۳۷	-۰/۰۱۵	NOL*BH (2)*POL
۰/۰۰۳	۲/۹۶۳	۰/۰۳۴	۰/۰۰۰	۳/۵۶۱	۰/۴۹۳	SALES_GR
۰/۹۲۷	-۰/۰۹۲	-۰/۰۰۱	۰/۵۵۳	۰/۵۹۴	۰/۰۹۴	AB_ACCR
۰/۰۰۰	۵/۵۴۱	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰	۳/۸۲۲	۰/۱۴۳	ASSETS
۰/۲۴۶	۱/۱۶۲	۰/۰۰۳	۰/۹۷۰	-۰/۰۳۸	-۰/۰۰۳	INV_MILLS BH (2)
(۰/۵۱۵) ۰/۸۷۲			(۰/۹۸۳) ۰/۱۷۹			آماره F لیمر (سطح معناداری)
(۰/۳۵۸) ۰/۳۷۰			(۰/۱۰۰) ۰/۱۱۹			ضریب تعیین (تعدیل شده)
۱/۷۹۵			۱/۷۶۸			آماره دوربین واتسون
(۰/۰۰۰) ۳۱/۹۰۲			(۰/۰۰۰) ۶/۱۲۱			آماره F فیشر (سطح معناداری)

با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر، بیشتر از ۵ درصد می باشد برای تخمین الگو از روش داده های ترکیبی معمولی استفاده گردید. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگو نشان می دهد که مجموعاً ۱۰ درصد از تغییرات حاصله در متغیر اختلاف دائمی مالیات و ۳۶ درصد از تغییرات حاصله در متغیر نرخ مؤثر مالیات نقدی می تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی دار شده در این الگو توضیح داده شود. مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بنابراین عدم

همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوی رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آماره F فیشر کمتر از ۵ درصد است، لذا معناداری کل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه با متغیر وابسته اختلاف دائمی مالیات (BTD)

نتایج نگاره شماره (۳) نشان می‌دهد که ضریب محاسبه شده برای متغیر درصد مالکیت سه سهامدار اول (۰/۰۱۱) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۰) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری بین درصد مالکیت سه سهامدار اول و اجتناب مالیاتی وجود دارد. همچنین، ضریب محاسبه شده برای متغیر روابط سیاسی گسترده با دولت (۰/۴۹۹-) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۰) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معناداری بین روابط سیاسی گسترده با دولت و اجتناب مالیاتی وجود دارد.

نتایج نگاره شماره (۳) نشان می‌دهد ضریب متغیر درصد مالکیت سه سهامدار اول در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت ((POL*BH (2 برابر (۰/۰۰۵) می‌باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۲۰۳) و بیشتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین، روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین درصد مالکیت سه سهامدار بزرگتر و اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری ندارد.

نتایج آزمون فرضیه با متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات نقدی (CETR)

نتایج نگاره شماره (۳) نشان می‌دهد که ضریب محاسبه شده برای متغیر درصد مالکیت سه سهامدار اول (۰/۰۰۲-) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۰) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معناداری بین درصد مالکیت سه سهامدار اول و اجتناب مالیاتی وجود دارد. همچنین، ضریب محاسبه شده برای متغیر روابط سیاسی گسترده با دولت (۰/۰۲۲) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۱۰) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری بین روابط سیاسی گسترده با دولت و اجتناب مالیاتی وجود دارد.

نتایج نگاره شماره (۳) نشان می‌دهد ضریب متغیر درصد مالکیت سه سهامدار اول در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت ((POL*BH (2 برابر (۰/۰۰۱-) می‌باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۰) و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، این فرضیه در سطح

اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. در نتیجه، بین درصد مالکیت سه سهامدار بزرگتر و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت رابطه منفی و معناداری وجود دارد. به‌طور کلی مقایسه ضرایب نشان می‌دهد که روابط سیاسی گسترده با دولت باعث منفی‌تر شدن رابطه بین درصد مالکیت سه سهامدار بزرگتر و اجتناب مالیاتی می‌شود.

آزمون فرضیه فرعی سوم

برای آزمون فرضیه فرعی سوم از الگوی رگرسیونی شماره (۱) استفاده شد. قبل از برازش الگوی پژوهش، ابتدا لازم است آزمون تشخیصی F لیمر برای انتخاب از بین الگوهای داده‌های ترکیبی معمولی در مقابل الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت انجام شود که نتایج آن در نگاره شماره (۴) آورده شده است. نتایج برازش الگو برای آزمون فرضیه فرعی سوم در نگاره شماره (۴) ارائه شده است؛

نگاره شماره ۴: نتیجه آزمون فرضیه فرعی سوم

متغیر وابسته: نرخ مؤثر مالیات نقدی (CETR)			متغیر وابسته: اختلاف دائمی مالیات (BTD)			متغیر
سطح معناداری	آماره t	ضرایب	سطح معناداری	آماره t	ضرایب	
۰/۰۰۰	۴/۹۵۶	۰/۳۷۵	۰/۰۰۰	-۸/۱۵۲	-۸/۲۶۴	C
۰/۰۰۰	-۶/۸۳۲	-۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۴/۸۶۲	۰/۰۰۹	Inist
۰/۹۳۶	۰/۰۸۰	۰/۰۱۱	۰/۰۵۳	-۱/۹۳۶	-۱/۸۴۷	LOSS
۰/۰۲۴	۲/۲۶۸	۰/۰۰۵	۰/۲۶۹	۱/۱۰۷	۰/۰۱۵	LOSS*Inist
۰/۶۴۴	-۰/۴۶۲	-۰/۲۶۹	۰/۳۵۶	۰/۹۲۴	۱/۸۰۹	NOL
۰/۴۴۲	۰/۷۶۹	۰/۰۰۶	۰/۳۶۸	-۰/۹۰۱	-۰/۰۲۲	NOL*Inist
۰/۰۳۵	۲/۱۱۲	۰/۰۱۷	۰/۰۰۰	-۵/۰۹۰	-۰/۵۰۰	POL
۰/۰۰۱	-۳/۳۲۷	-۰/۰۰۱	۰/۶۸۳	۰/۴۰۹	۰/۰۰۲	POL*Inist
۰/۰۳۹	۲/۰۶۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۴/۰۲۸	۰/۰۲۰	LOSS*Inist*POL
۰/۰۰۸	-۲/۶۷۰	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۱	-۲/۵۶۹	-۰/۰۱۸	NOL*Inist*POL
۰/۰۰۱	۳/۴۸۸	۰/۰۳۹	۰/۰۰۰	۳/۷۲۲	۰/۵۱۰	SALES_GR
۰/۷۳۲	-۰/۳۴۲	-۰/۰۰۴	۰/۵۵۳	۰/۵۹۳	۰/۰۹۲	AB_ACCR
۰/۰۰۰	۷/۰۵۴	۰/۰۲۰	۰/۰۰۱	۳/۳۴۹	۰/۱۲۶	ASSETS
۰/۶۰۴	۰/۵۱۸	۰/۰۰۱	۰/۰۱۶	۲/۴۱۹	۰/۰۲۲	INV_MILLS Inist
(۰/۴۴۸) ۰/۹۶۶			(۰/۹۹۲) ۰/۱۳۳			آماره F لیمر (سطح معناداری)
(۰/۳۰۸) ۰/۳۲۱			(۰/۰۹۵) ۰/۱۱۴			ضریب تعیین (تعدیل شده)
۱/۸۴۶			۱/۷۳۷			آماره دوربین واتسون
(۰/۰۰۰) ۲۵/۶۳۹			(۰/۰۰۰) ۵/۸۲۲			آماره F فیشر (سطح معناداری)

با توجه به این که سطح معناداری به دست آمده از آزمون F لیمر، بیشتر از ۵ درصد می‌باشد برای تخمین الگو از روش داده‌های ترکیبی معمولی استفاده گردید. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده الگو نشان می‌دهد که مجموعاً ۱۰ درصد از تغییرات حاصله در متغیر اختلاف دائمی مالیات و ۳۱ درصد از تغییرات حاصله در متغیر نرخ مؤثر مالیات نقدی می‌تواند توسط متغیرهای مستقل و معنی‌دار شده در این الگو توضیح داده شود. مقدار آماره دوربین-واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، بنابراین عدم همبستگی در اجزاء باقیمانده الگوی رگرسیونی را تأیید می‌کند. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری آماره F فیشر کمتر از ۵ درصد است، لذا معناداری کل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه با متغیر وابسته اختلاف دائمی مالیات (BTD)

نتایج نگاره شماره (۴) نشان می‌دهد که ضریب محاسبه شده برای متغیر مالکان نهادی (۰/۰۰۹) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۰) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری بین مالکان نهادی و اجتناب مالیاتی وجود دارد. همچنین، ضریب محاسبه شده برای متغیر روابط سیاسی گسترده با دولت (۰/۵۰۰-) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۰) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معناداری بین روابط سیاسی گسترده با دولت و اجتناب مالیاتی وجود دارد.

نتایج نگاره شماره (۴) نشان می‌دهد ضریب متغیر مالکان نهادی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت (POL*Inist) برابر (۰/۰۰۲) می‌باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۶۸۳) و بیشتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین، روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین مالکان نهادی و اجتناب مالیاتی تأثیر معناداری ندارد.

نتایج آزمون فرضیه با متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات نقدی (CETR)

نتایج نگاره شماره (۴) نشان می‌دهد که ضریب محاسبه شده برای متغیر مالکان نهادی (۰/۰۰۱) است و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۰) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه منفی و معناداری بین مالکان نهادی و اجتناب مالیاتی وجود دارد. همچنین، ضریب محاسبه شده برای متغیر روابط سیاسی گسترده با دولت (۰/۰۱۷) است

و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۳۵) بوده و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه مثبت و معناداری بین روابط سیاسی گسترده با دولت و اجتناب مالیاتی وجود دارد.

نتایج نگاره شماره (۴) نشان می‌دهد ضریب متغیر مالکان نهادی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت (POL*Inist) برابر (۰/۰۰۱-) می‌باشد و با توجه به سطح معناداری آن که برابر با (۰/۰۰۱) و کمتر از سطح خطای (۰/۰۵) است در نتیجه، این فرضیه در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین، بین مالکان نهادی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین ساختار مالکیت با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با متغیر وابسته اختلاف دائمی مالیات بیانگر آن است که رابطه مثبت و معناداری بین درصد مالکیت بزرگترین سهامدار، درصد مالکیت سه سهامدار بزرگتر و مالکان نهادی با اختلاف دائمی مالیات وجود دارد. همچنین، بین روابط سیاسی گسترده با دولت و اختلاف دائمی مالیات رابطه منفی و معناداری وجود دارد. در نهایت، روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین ساختار مالکیت و اختلاف دائمی مالیات تأثیر معناداری ندارد.

عدم تأثیر روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین ساختار مالکیت و اختلاف دائمی مالیات نشان‌دهنده این موضوع است؛ از آنجا که در شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت، این اطمینان برای شرکت‌ها ایجاد می‌گردد که کسری وجه آن‌ها توسط نهادهای دولتی و بانک‌ها به راحتی تأمین می‌گردد و نباید نگران کاهش نقدینگی ناشی از پرداخت مالیات باشند، لذا انگیزه‌ای برای اجتناب مالیاتی در این شرکت‌ها وجود ندارد.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش با متغیر وابسته نرخ مؤثر مالیات نقدی بیانگر آن است که رابطه مثبت و معناداری بین درصد مالکیت بزرگترین سهامدار و نرخ مؤثر مالیات نقدی وجود دارد. همچنین، رابطه منفی و معناداری بین درصد مالکیت سه سهامدار بزرگتر و مالکان نهادی با نرخ مؤثر مالیات نقدی وجود دارد. به علاوه، نتایج نشان داد که وقتی معیار تمرکز مالکیت؛ درصد مالکیت بزرگترین سهامدار باشد، بین روابط سیاسی گسترده با دولت و نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه معناداری وجود ندارد. اما

هنگامی که معیار تمرکز مالکیت؛ درصد مالکیت سه سهامدار بزرگتر و مالکان نهادی باشد، بین روابط سیاسی گسترده با دولت و نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در نهایت، روابط سیاسی گسترده با دولت بر رابطه بین ساختار مالکیت و نرخ مؤثر مالیات نقدی تأثیر منفی و معناداری دارد.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مدیران از طریق روابط سیاسی بر سود مشمول مالیات قطعی شرکت و در نتیجه، نرخ‌های مالیاتی تأثیر می‌گذارند. در مجموع به نظر می‌رسد که وابستگی شرکت‌ها به دولت باعث می‌شود که شرکت‌ها انگیزه کمتری برای بالا بردن کیفیت افشای اطلاعات داشته باشند. چرا که این گروه از شرکت‌ها نیاز کمتری به منابع مالی موجود در بازارهای سرمایه و اعتباردهندگان احساس می‌کنند و منابع مورد نیاز خود را با پشتیبانی دولت و از طریق بانک‌های دولتی تأمین می‌کنند. بر این اساس، به نظر می‌رسد که این قبیل شرکت‌ها بتوانند از طریق ارتباطات سیاسی موفق به اخذ برخی از بخشودگی‌ها و معافیت‌های مالیاتی، در صنعتی شوند که در آن فعالیت دارند.

نتایج این پژوهش با شواهد پورحیدری و سروستانی (۱۳۹۲) و جوی (۲۰۱۲) که نشان دادند مالکیت نهادی به‌طور منفی نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، و با شواهد فاسیو (۲۰۰۶ و ۲۰۱۰) که بیان داشت شرکت‌های دارای روابط سیاسی، مالیات کمتری پرداخت می‌کنند، مطابقت می‌کند و با شواهد بهارمقدم و امینی‌نیا (۱۳۹۳) که نشان دادند هر چه تمرکز مالکیت بالاتر باشد، شرکت‌ها در اتخاذ رویه‌های مالیاتی کمتر جسورانه عمل می‌کنند و رضایی و عظیمی (۱۳۹۲) که بین میزان مالکیت سهامداران نهادی و نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه معناداری مشاهده نکردند، همچنین، با شواهد رضایی و مشیری (۱۳۹۲) که نشان دادند بین مالکیت بلوکی و مالکیت نهادی با نرخ مؤثر مالیات نقدی رابطه مثبت و معنادار و بین مالکیت بلوکی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه منفی و معنادار وجود دارد و همچنین، بین مالکیت نهادی و معیار اختلاف دائمی مالیات رابطه معناداری وجود ندارد، در تناقض است.

با توجه به اینکه نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای روابط سیاسی گسترده با دولت در جهت حداکثر کردن ثروت سهامداران حرکت می‌کنند، پیشنهاد می‌شود سرمایه‌گذاران در هنگام تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری، شرکت‌هایی را انتخاب کنند که ارتباط آن‌ها با دولت بیشتر است. به‌منظور انجام پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌شود محققان از معیارهای دیگری برای اندازه‌گیری روابط سیاسی شرکت‌ها و اجتناب مالیاتی استفاده کنند و نتایج آن را با یافته‌های نظری و پیشینه پژوهش حاضر مقایسه و تحلیل نمایند.

منابع و مأخذ

- 1- Asgharpour, M.J. (2004). *multi-criteria decision making*. Third edition. Tehran: Tehran University Press. *(In Persian)*
- 2- Baharmoghadam, M., Amininiya, M. (2014). Investigate the relationship between ownership concentration and bold taxation. *Journal of Financial Accounting Research*, 6 (4): 23-36. *(In Persian)*
- 3- Chaney, P.K., Faccio, M., Parsley, (2011). The quality of accounting information in politically connected firms. *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1&2), 58–76.
- 4- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T. (2010). Are Family Firm More Tax Aggressive than Non-Family Firm? *Journal of Financial Economics*. Vol 20, Pp 267-292.
- 5- Chen, X. (2018). Corporate Social Responsibility Disclosure, Political Connccdon an T Aggrssiveness: vvieenee from China' Capital Markets. *Open Journal of Business and Management*, 6, 151-164.
- 6- Desai, M. and Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*, 91, 537–546.
- 7- Ebrahimi, S.K., Bahraminasab, A., & Hasanzadeh, M. (2017). The Analysis of Financial Reporting Quality and Tax Avoidance According to Governmental Ownership and Political Connections. *Quarterly Journal of Public Organzations Management*, 5 (2): 61-76. *(In Persian)*
- 8- Faccio, M, (2006). Politically connected firms. *American Economic Review*. 96, 369–386.
- 9- Faccio, M, (2010). Differences between politically connected and non-connected firms: A cross country analysis. *Financial Management*, 39, 905–927.

- 10- Gharanjik, A., Garkaz, M., (2018). Investigate the relationship between corporate governance characteristics and tax avoidance in companies acquired in Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 18 (70): 175-193. (In Persian)
- 11- Gul, F.A., (2006). Auditor s response to political connections and cronyism in Malaysia. *Journal of Accounting Research*, 44 (5), 931–963.
- 12- Johnson, S., Mitton, T., (2003). Cronyism and capital controls: Evidence from Malaysia. *Journal of Financial Economics*, 67, 351–382.
- 13- Joy, E. (2012). The Influence of Institutional Investment on Tax Aggressiveness. *Ssrn.com*.
- 14- Kim, C. & Zhang, L. (2016). Corporate Political Connections and Tax Aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 33 (1), 78-114.
- 15- Lanis, R., and Richardson G. (2011) The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 30, pp. 50-70.
- 16- Leuz, Ch., Oberholzer-Gee, F., (2006). Political relationships, global financing, and corporate transparency: Evidence from Indonesia. *Journal of Financial Economics*, 81, 411–439.
- 17- Lim, Y., (2011). Tax avoidance, cost of debt and shareholder activism: Evidence from Korea. *Journal of Banking & Finance*, 35, PP. 456–470.
- 18- Minnick, K., T, Noga. (2010). Do corporate governance characteristics influence tax management, *Journal of Corporate Finance*, Vol. 16, pp. 703-718.
- 19- Pasternak, M. & Rico, C. (2008). Tax Interpretation, Planning, and Avoidance: Some Linguistic Analysis. *Akron Tax Journal*. 23 (1): 33-79.
- 20- Pourheydari, O., Borhaninezhad, S. (2012). Investigating the impact of corporate governance characteristics on tax management in companies acquired in Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 12 (49): 85-99. (In Persian)

- 21- Pourheydari, O., Sarvestani, A. (2013). Identification and explanation of factors affecting tax management. *Journal of Accounting Knowledge*, 4 (12): 89-110. **(In Persian)**
- 22- Qian, M., Pan, H., Yeung, B., (2011). *Expropriations of minority shareholders in politically connected firms*. Unpublished working paper. The National University of Singapore.
- 23- Rezaei, F., Azimi, A. (2013). The relationship between corporate governance mechanisms and tax management in companies. *Quarterly Tax Journal*, (25): 157-179. **(In Persian)**
- 24- Rezaei, F., Moshiri, H. (2013). *Investigate the relationship between ownership structure and corporate tax avoidance*. Master's thesis, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. **(In Persian)**
- 25- Rezaei, F., Weysihsar, S. (2014). The effect of political connections with the government on the relationship between ownership concentration with quality of financial reporting and the cost of equity capital. *The Iranian Accounting and Auditing Review*, 21 (4): 449-470. **(In Persian)**
- 26- Shin, H-J. & Woo, Y-S., (2017). The effect of tax avoidance on cost of debt capital: Evidence from Korea. *S. Afr.J. Bus.Manage*. 48 (4): 83-89.
- 27- Wu, L. Wang, Y. Gillis, P. Luo, W. (2012). State Ownership, Tax Status and Size Effect of Effective Tax Rate in China. *Accounting and Business Research*, Vol.42, pp. 97-114.